افغانستان و خطر زرد

باخطر دارم وقتی در یکی از جراید(گویا حبل المتین کلکته) خواندم که اقای محمود خان طرزی مدیر سابق جریدهء سراج الاخبار افغانستان و حالیه وزیر خارجهء ان مملکت در جریدهء خود نوشته‏ بودند که افغانها باید زبان«پشتو»را رسمیت بدهند.بگمان نگارنده این یک‏ کار خوبی از برای افغانستان نخواهد بود زیرا اولا زبان فارسی یک زبان‏ اجنبی در ان کشور نیست تا افغانها بخواهند انرا طرد کنند،بلکه‏ زبان ادبی خود افغانستان است همچنانکه زبان کتبی و ادبی ایران میباشد و گرنه در ایران هم صدها قسم زبان محلی و غیر کتبی وجود دارد از قبیل‏ گیلکی،مازندرانی،کردی،لری و غیره که هریک نسبت بفارسی رسمی‏ همان اختلاف را دارد که زبان پشتو نسبت بآن دارد.

نسبت زبان پشتو به فارسی همان نسبت زبان سویس آلمان است‏ به زبان فصیح آلمانی که آن را خود سویسیها«شریتسردوچ»مینامند. با اینکه سویسیها و المان‏ها هر دو کمالا ستقلال سیاسی را دارند و از حیث تمدن نیز از افغانها و ایرانیها جلو هستند هرگز بخیال این نیفتاهد اند که زبان محلی خود را جنبهء ادبی و رسمی و کتبی بدهند و البته‏ علل بسیار دارد که ما خلاصه از انچه زا استنباط میکنیم ذیلا مینگاریم.

اولا اینکه اگر سویسیهای المان زبان کتبی و ادبی خود را تغییر بدهند دیگر نمیتوانندا ز هزارها کتاب علمی و ادبی که بزبان المانی‏ نوشته شده است استفاده کنند و اگر بخواهند کلیهء ان کتب را بزبان‏ جدید بنویسند گذشته از انکه شاید قریب بمحال باشد ملیونها خرج دارد. ثانیا کتب جدید که تألیف میشود باید بآن زبان ترجمه و طبع شود و با کم بودن عدهء سویسی المانی خریدار زیاد نخواهد داشت و طبعا فروش‏ زیاد نخواهد کرد و خود این موجب انست که بسیاری از کتب بلا ترجمه بماند،دیگر از حیث ارزانی کتب که هرچه زیادتر چاپ شود ارزانتر است و هم از حیث سرعت کسب اطلاع چه در ممالک بزرگ بواسطهء فراهم‏ بودن موجبات ترجمه کتب زودتر ترجمه و چاپ میشود.میتوان دلایل‏ دیگر نیز شمرد ولی همین چند دلیل بنظر کافی میآید.شک نیست که‏ بلژیکیها و سویسیهای غربی که بزبان فرانسه متکلمند و از کتب چاپ‏ فرانسه بهره میبرند از این حیث بیشتر استفاده دارند تا هلندی‏ها،سوئدیها، نروژیهاو دانمارکیها مثلا که هریک زبان مخصوصی دارند و فقط چند ملیون معدود خودشان بآن متکلمند و بهمان نسبت نیز در السنه انها کتاب‏ کمتر تألیف و ترجمه و چاپ میشود.

برگردیم بموضوع افغانستان:اولا همانطور که فوقا گفته شد زبان‏ ادبی فارسی بهمان اندازه که بایران تعلق دارد به افغانستان نیز متعلق‏ است زیرا عدهء کثیری از شعرای پارسی زبان از اهل افغانستان نیز متعلق‏ است زیرا عدهء کثیری از شعرای پارسی زبان از اهل افغانستان بوده‏اند مانند سنائی غزنوی و هم امروز آقا سید احمد ادیب پیشاوری که از شعرای‏ نامی مقیم طهران است تقریبا افغانی میباشند.خلاصه اگر از حیث سیاست‏ ایران و افغانستان دو مملکت و دو ملت مستقل را تشکیل میدهند از حیث‏ نژاد و زبان و روحا و اخلاقا یک خانواده بزرگ هستند و ما افتخار داریم‏ بداشتن همسایگانی که با ما برادر و مهربان میباشند.یقین داریم آقای‏ طرزی وزیر محترم امور خارجه افغانستان،اگر حافظه نگارنده اشتباه‏ نکرده و نویسنده آن مقاله بوده‏اند،امروز دیگر بآن عقیده باقی‏ نیستند.برادری ودوستی و مصالح مشترک ملتین و دولتین افغان و ایران‏ طوری است که بگمان نویسنده این سطور خلل‏ناپذیر باشد،فقط چیزی‏ که تا یک اندازه موجب نگرانیست نفوذ بی‏تناسبی است که دولت عثمانی‏ در افغانستان دارا شده است.همانطور که در فوق اشاره کردیم خطر زرد بهمان‏ اندازه که ایرانرا تهدید میکند تهدیدکننده افغانستان نیز میباشد چه اولا در قسمتی از افغانستان نیز مانند ایران زبان ترکی معمول است و ثانیا خطر تتورانی خطر سیاسی نیست که فقط ایران را تهدید کند بلکه یک خطر نژادی است که تمام ملل ایرانی‏نژاد را(بمعنی اعم)تهدید مینماید.شاید ترکها روزی برای اغفال افاغنه بانها بگویند که اگر قسمتی‏ از افغانستان برای تکمیل وحدت ترک لازم است آنها حاضرند از ممالک‏ فارسی زبان ایران برای جبران نقصان بانها بدهند همچنانکه شاید با ما هم‏ همین حرفها را بزنند که شما ایالت آذربایجان را بعثمانی بدهید عثمانیها حاضرند که جبران آنرا بضرر افغانستان بنمایند!البته اگر چنین سیاست‏ هائی از طرف ترکها تعقیب شود و بفرض آنکه از طرف انگلسیها نیز بملاحظه سدبندی مقابل هجوم روسها تقویت گردد برای نفاق انداختن‏ میان دو ملت دوست و هم‏نژاد و همزبان است که منافع ملی آنها حکم‏ بوحدت نظر و اشتراک مساعی مینماید.

ایرانیان نهایت خوشوقتی را دارند که اعلیحضرت امان اللّه خان‏ پادشاه افغان بمعیت اقای محمود خان طرزی وزیر خارجهء خوداز مسافرتیکه‏ بخارج نموده و اینک بوطن برمگیردند اخرین منزلشان ایران است.ما صمیمانه مقدم ایشان را تبریک گفته منتظریم اولیای امور ما در اینمورد غفلت نکره و روابط حسنه را بطور خیلی خصوصی بین دولتین تشیید نمایند بنحویکه اگر خدای نخواسته در لندن یا انقره در زمینهء سیاستهائی که‏ فرقا اشاره کردیم طرحهائی ریخته شده خنثی گردد،زیرا همانطور که مکرر نوشتیم خطرهای زرد و ابی ایران و افغانستان هر دو را تهدید مینماید و هیچ‏یک از دو دولت نباید فریفتهء چرب‏زبانیهای دیپلماسی فریبنده بشوند. ملت ایران نیز باید مقدم مهماناهی محترم خود را گرامی داشته صمیمانه‏ پذیرائی نماید.